

پاسخنامه ابن عقیل از ابتدا تا کان

سؤالات چهار گزینه‌ای (۲ نمره)			
۱- الف	۲- ج	۳- آ	۴- ب
سؤالات تشریحی (۱۸ نمره)			
۱- علم «منقول» و «مرتجل» را تعریف کرده، بیان کنید هریک از مثال‌های زیر کدام یک از این دو به شمار می‌آید. الف) سُعاد : ب) أَسَد :			
علم مرتجل: علمی است که قبل از کاربرد به عنوان علم، استعمال دیگری نداشته باشد، یعنی از همان ابتدا برای کاربرد علمی وضع شده باشد. (۰/۷۵). علم منقول: علمی است که قبل از کاربرد به عنوان علم، استعمال دیگری، مانند اسم جنس یا جمله، داشته باشد و از آن استعمال به علمیت نقل داده شده باشد. (۰/۷۵). الف) مرتجل (۰/۲۵) ب) منقول (۰/۲۵)			
۲- برای عبارت «أراغب أنت» در آیه «أَرَاغِبُ أَنْتَ عَنْ آلِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ» دو ترکیب «مبتدای وصفی + فاعل» و «خبر مقدم + مبتدای مؤخر» محتمل است. با ذکر علت، توضیح دهید کدامیک از این دو ترکیب از نظر نحوی بهتر است؟ ترکیب «مبتدای وصفی + فاعل» نسبت به ترکیب دوم اولیت دارد؛ زیرا جار و مجرور یعنی عبارت «عن آلہتی»، متعلق به «راغب» است و در این ترکیب، بین عامل (راغب) و معمول (عن آلہتی) فصل به اجنبی (أنت) رخ نمی‌دهد، زیرا «أنت» فاعل برای «راغب» است و اجنبی محسوب نمی‌شود. اما در ترکیب «خبر مقدم + مبتدای مؤخر»، کلمه «أنت» اجنبی از کلمه «راغب» است؛ از این رو، این ترکیب مستلزم فصل به اجنبی است.			
۳- مطابق نمونه، نوع «ال» را در کلمات زیر، از میان انواع داده شده بیابید. ۱- عهد ذکری / ۲- حقیقت / ۳- لمحیه / ۴- استغراق جنس / ۵- موصوله / ۶- عهد حضوری / ۷- عهد ذهنی نمونه) رأيتُ رجلاً... فَسَلَّمْتُ الرَّجُلَ عَلَيَّ : عهد ذکری أ) رأيتُ الفضلَ : ب) «إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ» : ج) أنا الضاربُ زَيْدًا : د) الرَّجُلُ خَيْرٌ مِنَ الْمَرْأَةِ : أ) لمحیه ب) استغراق جنس ج) موصوله د) حقیقت			
۴- معرب و مبنی بودن کلمات زیر را تعیین کرده، نوع شباهت هرکدام از آنها به حروف را مشخص کنید. (شباهت‌های وضعی، معنوی، افتقاری، نیابتی) أ) اللذان : ب) متی : ج) هیهات : د) هنا : أ) معرب - افتقاری ب) مبنی - معنوی ج) مبنی - نیابتی د) مبنی - معنوی (۴ مورد، هرکدام ۰/۵ نمره)			
۵- کلمات مشخص شده در عبارات زیر کدام شرط اعراب نیابتی اسماء سته را ندارند؟ أ) رأيتُ أَخًا لَكَ : ب) جاثني أَبَوَا زَيْدٍ : ج) عَلِيٌّ ذُوِّي مَالٍ : د) شاهدتُ أَبِي أَمْسٍ : أ) مضاف نیست ب) مفرد نیست ج) مکبر نیست د) مضاف به یاء متکلم است			
۶- امتناع یا جواز حذف ضمیر عائد موصول را در عبارات زیر مشخص کرده، سبب هریک را توضیح دهید. (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ گویند) أ) مَرَرْتُ بِالذِي فَرِحْتُ بِهِ : ب) جاء الذي أنا ضارِبُهُ : ج) جاء الذي إياه صَرَبْتُ : د) رَغِبْتُ فِيمَنْ رَغِبْتُ عَنْهُ : ه) مررتُ بالذی مررتُ به : أ) عدم جواز حذف - زیرا دو عامل عبارات «بالذی» و «به» با یکدیگر متفاوتند. ب) جواز حذف - زیرا عائد مجرور به اضافه به اسم فاعلی است که به معنی حال یا استقبال است. ج) عدم جواز - زیرا عائد ضمیر منفصل است. د) عدم جواز - زیرا حروف جری که بر موصول و عائد داخل شده یکی نیست. ه) جواز حذف - زیرا حرف جر عائد، و حرف جر موصول یکی است و عامل هر دو نیز یکسان است. و) جواز حذف - زیرا ضمیر عائد متصل و منصوب به فعل تام است. (۴ مورد، هرکدام ۰/۵ نمره)			

أَيُّ كَمَا وَأُعْرِبَتْ مَا لَمْ تُصَفِّ وَصَدْرُ وَصَلِّهَا صَمِيرٌ انْحَدَفُ

با توجه به بیت یادشده، معرب یا مبنی بودن «آی» را در مثال‌های زیر تعیین کرده، سبب هریک را بنویسید.

الف) يُعْجِبُنِي أَيُّهُمْ هُوَ قَانِمٌ : (ب) يُعْجِبُنِي أَيُّ قَانِمٌ : (ج) مَرَرْتُ بِأَيِّ هُوَ قَانِمٌ : (د) رَأَيْتُ أَيُّهُمْ قَانِمٌ :

الف) معرب - مضاف است و صدر صله آن مذکور
 ب) معرب - غیر مضاف و صدر صله محذوف
 ج) معرب - غیر مضاف و صدر صله مذکور
 د) مبنی بر ضمه - اضافه شده و صدر صله محذوف است

۸- هریک از کلمات زیر کدامیک از شروط جمع مذکر سالم را ندارد؟ (از میان ۶ مورد زیر، تنها به ۴ عدد پاسخ‌گویید)

أ) رجلٌ : (ب) لاجئٌ : (ج) طلحةٌ : (د) علامةٌ : (هـ) صَبُورٌ : (و) سَكَرَانٌ :

أ) علم نیست
 ب) صفت برای غیر عاقل است (فرس)
 ج) خالی از تاء تأنیث نیست
 د) تاء تأنیث دارد
 هـ) مذکر و مؤنث آن یکی است
 و) صفت از باب فعلا ن فعلی نباشد

۹- «إِنَّ مَا سُويَ بِهِ مِنْ هَذَا الْجَمْعِ وَالْمُلْحَقِ بِهِ، نَحْوُ: "أَذْرَعَاتٍ" يُنْصَبُ بِالْكَسْرِ كَمَا كَانَ قَبْلَ التَّسْمِيَةِ بِهِ، وَلَا يُحْدَفُ مِنْهُ التَّنْوِينُ، نَحْوُ: "هَذِهِ أَذْرَعَاتٌ" وَ"رَأَيْتُ أَذْرَعَاتٍ" وَ"مَرَرْتُ بِأَذْرَعَاتٍ"، هَذَا هُوَ الْمَذْهَبُ الصَّحِيحُ. وَفِيهِ مَذْهَبَانِ آخَرَانِ: ... وَالثَّانِي: أَنَّهُ يُرْفَعُ بِالضَّمِّ وَنُصِبَ وَيُجَرُّ بِالْفَتْحَةِ وَيُحْدَفُ مِنْهُ التَّنْوِينُ، نَحْوُ: "هَذِهِ أَذْرَعَاتٌ" وَ"رَأَيْتُ أَذْرَعَاتٍ" وَ"مَرَرْتُ بِأَذْرَعَاتٍ"». با توجه به متن، چه توجیهی برای دو شکل مختلف اعراب کلمه «أذرعَات» می‌توان ارائه داد؟

قول اول: همانند قبل از تسمیه مرفوع به ضمه و منصوب و مجرور به کسره، به همراه تنوینی که از باب حکایت بدان ملحق شده است (با اینکه اکنون کلمه اذرعَات جمع نیست ولی به اعتبار قبل از تسمیه همان اعراب را می‌پذیرد).

قول دوم: بدون تنوین، در حالت مرفوعی به ضمه، و در حالت نصب و جر به فتحه اعراب می‌پذیرد، و این از باب غیر منصرف شدن کلمه (علمیت و تانیث) است.